

## نقش واسطه‌ای فاصله روان‌شناختی در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با همدلی

حمزه میرزایی، دکتر محمد مهدی شیرزادی\*، سمیرا راهیما، نادیا بابادی عکاشه  
گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، بروجن، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵)

### چکیده

**زمینه:** از عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت تعلیم و تربیت کودکان با نیازهای خاص، رفتارهای همدلانه آموزش‌دهندگان است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای فاصله روان‌شناختی در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با همدلی انجام شده است. **روش:** مطالعه حاضر توصیفی-همبستگی است، که از جامعه کارکنان آموزش کودکان استثنایی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۹۱ کارمند با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، شامل پرسشنامه همدلی، هویت اخلاقی، هویت معنوی و فاصله روان‌شناختی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد، مدل این پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. با توجه به یافته‌ها، فاصله روان‌شناختی نقش واسطه‌ای در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با همدلی داشت. به این معنا که با افزایش هویت اخلاقی و هویت معنوی، فاصله روان‌شناختی کاهش یافته و از این طریق، همدلی افزایش یافته است. **نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر با ارائه الگویی از همدلی نشان داد که هویت اخلاقی و هویت معنوی از طریق فاصله روان‌شناختی، رفتارهای همدلانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، می‌توان با فراهم آوردن زمینه کاهش باورهای عدم رعایت حریم اخلاقی و جهت‌گیری غلبه اجتماعی، آنان را در جهت رفتارهای نوع‌دوستانه و همدلانه، سوق داد.

**کلیدواژگان:** فاصله روان‌شناختی، همدلی، هویت اخلاقی، هویت معنوی

### سر آغاز

در دنیای امروز علی‌رغم تمام تلاش‌ها و پیشرفت‌های علمی، ناتوانی ذهنی و جسمی یک ناراحتی و وضعیت مادام‌العمر است و مشکلات همراه با این کودکان یکی از عوامل بحران‌ساز برای آنها، خانواده و آموزش‌دهندگان‌شان می‌باشد (۱). بنابراین ضروری است که آموزش‌دهندگان این‌گونه کودکان مجهز به مهارت‌های ویژه گردند تا بتوانند در زمینه تعلیم و تربیت کودکان با نیازهای خاص<sup>۱</sup> کارآمدتر اقدام نمایند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش‌دهندگان که می‌تواند در برخورد با این کودکان، کمک‌حال آنان باشد، همدلی<sup>۲</sup> است. همدلی یکی از ویژگی‌های مهم رفتار بین‌فردی انسان است که وجود آن برای برقراری ارتباط مؤثر<sup>۳</sup> در دنیای اجتماعی ضروری است (۲، ۳). در واقع همدلی راه میانبری را برای ایجاد ارتباط با دیگران فراهم می‌کند و افزون بر آن، کیفیت رابطه را نیز بهبود می‌بخشد (۴). درک همدلانه، هسته مهم و اثرگذار تعامل بین کودکان با نیازهای خاص و آموزش‌دهندگان آنهاست.

همدلی سبب برانگیختن این احساس در این کودکان می‌شود که آموزش‌دهندگان قادرند دنیای ذهنی آنان را هماهنگ با احساسات خودشان درک کنند و باعث افزایش رضایتمندی کودکان و خانواده‌یشان از کیفیت آموزش می‌گردد (۵). با توجه به تأثیرپذیری رفتارهای همدلانه از متغیرهای متعدد، متخصصان تعلیم و تربیت و پژوهشگران این حوزه را بر آن داشته است که با بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای همدلانه، زمینه بهبود و افزایش این رفتارها را فراهم آورند. پژوهش حاضر در این راستا با تمرکز بر عوامل اخلاقی، اقدام به بررسی رفتارهای همدلانه در بین کارکنان مدارس استثنایی نموده است. پژوهش‌های مختلف نشان دادند که متغیرهای مختلفی در میزان و کیفیت همدلی افراد اثرگذار است (۷۶، ۸) و شواهد پژوهشی حاکی از آن است که هویت اخلاقی<sup>۴</sup> و هویت معنوی<sup>۵</sup> می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفاء کنند (۹، ۱۰). متعهد شدن و درونی کردن مفاهیم و ارزش‌ها منجر به پیدایش تعریفی از خود که جزئی از جنبه‌های پایدار وجودی فرد است، می‌شود و تحت عنوان هویت<sup>۶</sup> مطرح می‌گردد.

زمانی که این جنبه‌ی پایدار وجودی محتوای اخلاقی به خود می‌گیرد و شامل ارزش‌های اخلاقی<sup>۷</sup> می‌شود با نام هویت اخلاقی تعریف می‌گردد (۱۱). برخی پژوهشگران هویت اخلاقی را به عنوان واسطه‌ی بین فهم اخلاقیات و عمل اخلاقی مطرح می‌کنند (۱۲). برخی دیگر معتقدند که هویت اخلاقی، بازتاب تفاوت‌های فردی از لحاظ میزان اهمیت یا مرکزیت اخلاقیات در "خود"<sup>۸</sup> فرد است. در واقع، زمانی که دغدغه‌های اخلاقی، هسته خود را تشکیل دهند، فرد از انگیزش اخلاقی<sup>۹</sup> بالاتری برای عمل اخلاقی برخوردار است. در تعریفی عینی و گویاتر، هویت اخلاقی به صورت تعهد به اعمالی مطرح می‌شود که در جهت حفظ یا افزایش رفاه دیگران بوده و با تعریف فرد از خودش همسو باشد (۱۳). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند هویت، یکی از عواملی است که ممکن است در تولید رفتار همدلانه نقش داشته باشد (۱۴، ۱۵). زمانی که فرد خود را به عنوان شخصی اخلاقی معرفی می‌کند، گرایش به بخشندگی<sup>۱۰</sup> بیشتر دارد و نسبت به رفاه دیگران از خود علاقه نشان می‌دهد. وی همچنین روابط شادتری را تجربه می‌کند و در نتیجه می‌تواند عملکرد بهتر و مناسبی داشته باشد (۱۵).

متغیر اثرگذار دیگر در بروز رفتارهای همدلانه هویت معنوی است. در رویکرد سنتی روانی-اجتماعی که بر اساس مفهوم سازی هویت شکل گرفته است، هویت معنوی به عنوان نحوه‌ای که "من" فرد به معنویت مربوط می‌شود و با حس "خود" یکپارچه و ادغام می‌شود، تعریف می‌گردد، و از آنجا که معنویت به عنوان تعالی تعریف می‌شود، هویت معنوی در بردارنده‌ی نحوه‌ای است که افراد احساس تعالی را با "من" خود یکپارچه می‌سازند. از این رو مطابق با این رویکرد، هویت معنوی به عنوان شناسایی خود با جنبه‌هایی از تجارب معنوی تعریف می‌گردد (۱۶). به بیان دیگر، هویت معنوی شامل تعریف و شناسایی خود بر اساس معنویت و تجارب خاصی است که در معنویت به چشم می‌خورد و با توجه به رویکرد بافتی به معنویت، این تجارب هم شامل ارتباط با نیرویی برتر است و هم در بردارنده‌ی تجارب فرد در ارتباط با دیگران است (۱۷). بر این اساس هویت معنوی بیانگر آن است که افراد خودشان را بر اساس ارتباط با نیرویی برتر و دیگران تعریف می‌کنند و این عوامل در شکل‌دهی شخصیت و هویت خویش مهم تلقی می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که هویت معنوی یکی از عوامل اصلی در بروز رفتارهای همدلانه در محیط‌های آموزشی است (۱۷-۱۹). به عبارت دقیق‌تر، هویت معنوی، یک منبع بشری و ذاتی برای جستجوی معنا، برقراری پیوند با دیگران، داشتن هدف در زندگی و خدمت به جامعه است و انسان از انگیزه‌های درونی برای جستجوی این امور برخوردار است (۱۸). همچنین، رشد هویت معنوی حاصل اثر متقابل سیر درونی<sup>۱۱</sup> (تجارب درونی و یا اتصال به منبعی نامحدود) و سیر بیرونی<sup>۱۲</sup> (فعالیت-های روزانه و ارتباطات) است. بدین معنا که رشد معنوی از یک سو ما را بر آن می‌دارد تا به درون خود نظر افکنیم و توانایی بالقوه‌ی خود برای رشد، یادگیری، همکاری و غیره را بپذیریم و کشف کنیم، و از سوی دیگر ما را بر آن می‌دارد تا به جهان بیرون و اطراف نظر افکنیم و خود را با کل زندگی متصل و یکپارچه سازیم. بدین ترتیب، هویت معنوی

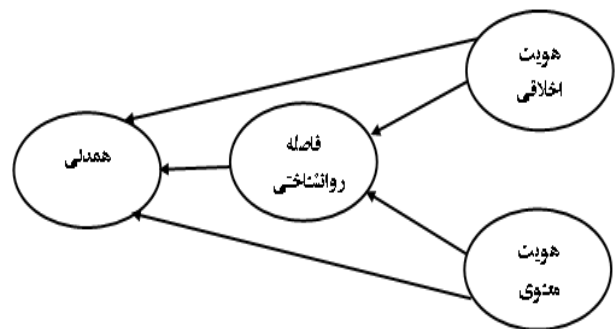
باعث تعامل و یکپارچه شدن ابعاد فردی و جمعی است و ما به سوی رفتارهای نوع‌دوستانه<sup>۱۳</sup> و همدلانه با سایر افراد وا می‌دارد (۲۰-۲۶). بنابراین، هویت معنوی در کنار عامل هویت اخلاقی، می‌تواند تبیین جامع‌تری از نحوه درک رفتارهای همدلانه افراد با کودکان خاص به صورت بلندمدت ارائه دهد.

آنچه که در اینجا قابل تأمل است آن است که نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگرچه برخی از آموزش‌دهندگان از هویت اخلاقی و هویت معنوی بالایی برخوردار نیستند، اما به‌طور قطعی رفتارهای همدلانه‌ی پایینی ندارند (۲۰). بنابراین، به نظر می‌رسد هویت اخلاقی و هویت معنوی به‌خودی خود شکل‌دهنده رفتار افراد نیستند، بلکه از طریق فرایندهای واسطه‌ای رفتار آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اگرچه هویت اخلاقی و هویت معنوی در توضیح رفتارهای همدلانه افراد، اهمیت اساسی دارد، اما اثر آن به‌طور مستقیم اعمال نمی‌گردد، بلکه از طریق پیامدهای آن یعنی کیفیت درک افراد در فضای روان‌شناختی (فاصله روان‌شناختی<sup>۱۴</sup>)، اثرات خود را آشکار می‌سازد (۲۲). بر اساس، می‌توان فاصله روان‌شناختی، را پل میان هویت اخلاقی و هویت معنوی و پیامدهای رفتاری تلقی نمود. در واقع، هویت اخلاقی و هویت معنوی به‌عنوان عوامل مهم در میزان کیفیت فاصله روان‌شناختی و از این طریق عامل ایجاد رفتارهای نوع‌دوستانه و همدلانه افراد قلمداد می‌شود (۲۳). فاصله‌ی روان‌شناختی بیانگر نحوه‌ای است که افراد دیگران را در فضای روان‌شناختی خود جهت می‌دهند. درواقع، افراد با دیگران به عنوان عواملی بیرونی و عینی رفتار نمی‌کنند، بلکه نوع برخورد آنان با دیگران تحت‌تأثیر این است که دیگران را در فضای روان‌شناختی خود چگونه ادراک می‌کنند. بر این اساس، افراد و گروه‌هایی را که از نظر اجتماعی نزدیک در برابر دور ادراک می‌گردند به گونه‌ای متفاوت در نظر گرفته می‌شوند و با آنها متفاوت رفتار می‌شود (۲۴). فاصله روان‌شناختی در بردارنده‌ی دو بعد رعایت حریم اخلاقی<sup>۱۵</sup> و جهت‌گیری غلبه اجتماعی<sup>۱۶</sup> می‌باشد. رعایت اخلاقی بیانگر مرز محدوده‌ای است که در آن افراد و گروه‌ها به صورتی تعریف می‌شوند که فرد مایل است نسبت به آنها توجه اخلاقی نشان دهد. دامنه‌ی این مرز می‌تواند از علاقه‌ی صرف به خود و تمرکز بر نیازهای خود تا در نظر گرفتن تمام انسان‌ها و یا جایی بین این دو حد باشد (۲۷). از این رو، رعایت اخلاقی بازتاب ادراک افراد از گروه‌هایی است که از نظر روان‌شناختی نزدیک هستند. اما، جهت‌گیری غلبه اجتماعی بیانگر افکار و عقاید فرد مبنی بر این است که شخص و یا گروهی از افراد نسبت به دیگران جهت برخورداری از برتری و غلبه بر سایر افراد، سزاوارترند. از این رو، جهت‌گیری غلبه اجتماعی بازتاب ادراک افراد از گروه‌هایی است که از نظر روان‌شناختی دور هستند. بنابراین، بسته به اینکه دیگران در فضای روان‌شناختی<sup>۱۷</sup> خود چگونه ادراک شوند (دور یا نزدیک) رفتار متفاوتی با آنان خواهد شد. از این رو، فاصله‌ی روان‌شناختی از جمله عوامل مهمی است که با اشکال مختلف رفتار اخلاقی و جامعه‌پسند و یا به عکس رفتار غیر اخلاقی و ضد اجتماعی در ارتباط است (۲۴).

آمد (۳۰). همچنین، یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و مرتبه دوم نشان داد که این مدل از برآزش مناسبی برخوردار است (۳۰). در پژوهش حاضر نتایج تحلیل عاملی تأییدی مقیاس همدلی و همدردی بیانگر تأیید ساختار ۳ عاملی این ابزار بود. علاوه بر این، شاخص‌های برازندگی مدل مقیاس همدلی و همدردی بررسی و نتایج، دلالت بر برآزش مطلوب مدل نظری این زمینه‌یابی با داده‌ها دارد. همچنین، میزان ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس همدلی شناختی ۰/۸۶، همدلی عاطفی ۰/۸۵ و همدردی ۰/۸۹ و کل پرسشنامه ۰/۸۷ بدست آمد، که حاکی از پایایی مطلوب این ابزار است.

مقیاس هویت اخلاقی: در جهت سنجش هویت اخلاقی از مقیاس خود گزارش‌دهی اهمیت هویت اخلاقی برای خود (۱۵) استفاده گردید. این ابزار شامل ۱۰ سوال و ۲ زیر مقیاس درونی سازی (۵ گویه) و نمادسازی (۵ گویه) است. مشارکت‌کننده میزان موافقت خود را با هر گویه بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از به‌طور کامل مخالفم (نمره ۱) تا به‌طور کامل موافقم (نمره ۵) مشخص می‌کند. سازندگان این ابزار روایی این مقیاس را مطلوب گزارش کردند (۱۵). علاوه بر این، ضریب پایایی ۰/۸۵ برای بعد درون‌سازی و ۰/۷۱ برای بعد نمادسازی گزارش شد (۱۵). برای محاسبه روایی نسخه‌ی فارسی این مقیاس از تحلیل عاملی استفاده شده است که همان دو عامل بدست آمد. پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای بعد درون‌سازی ۰/۶۶ و برای بعد نمادسازی ۰/۶۲ و برای کل ۰/۷۴ محاسبه شد (۳۱). در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی مقیاس ابعاد درون‌سازی و نمادسازی اخلاقی در هویت اخلاقی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آلفا به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۵ به دست آمدند. همچنین، روایی این مقیاس با تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد و وجود دو عامل مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه هویت معنوی: جهت سنجش هویت معنوی، از پرسشنامه هویت معنوی (۳۲) استفاده شد. این ابزار شامل ۳۴ گویه است که دو بعد باورهای ماورایی و باورهای اخلاقی را مورد سنجش قرار می‌دهد. در مقابل هر گویه طیف پنج درجه‌ای از اهمیتی ندارد تا اهمیت فوق العاده‌ای دارد تنظیم شده است. روایی و پایایی این ابزار از سوی سازندگان مطلوب گزارش شده است (۳۲). مقدار پایایی برای باورهای ماورایی، باورهای اخلاقی و نمره کل هویت معنوی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۵ گزارش شده است (۳۲). علاوه بر این، سازندگان این پرسشنامه، روایی این ابزار را با استفاده از روش تحلیل عاملی مطلوب گزارش کردند (۳۲). در پژوهش دیگر برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و برای سنجش روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد (۳۳). نتایج تحلیل عاملی تأییدی به روش مولفه‌های اصلی، بیان‌کننده وجود دو عامل کلی در پرسشنامه بود. ملاک استخراج عوامل شیب نموداری اسکری و ارزش ویژه بالاتر از ۱ بود. مقدار ضریب کایرز-می-اولکین برابر ۰/۹۴ و ضریب کروییت بارتلت برابر ۶۳۸۳/۹۰ ( $p < 0.001$ ) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. ضریب آلفای کرونباخ برای باورهای ماورایی، باورهای اخلاقی و نمره کل هویت معنوی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۵ به-

بنابراین، کیفیت ادراک فاصله روان‌شناختی در برخورد با افراد مختلف بر نحوه‌ی رفتارهای همدلانه اثرگذار است (۲۳). بر این اساس، با توجه به آن که هویت اخلاقی و هویت معنوی بر فاصله روان‌شناختی افراد اثر گذاشته و از طرف دیگر کیفیت فاصله روان‌شناختی باعث روی آوردن افراد به رفتارهای همدلانه در محیط‌های آموزشی می‌شود، لذا انتظار می‌رود، فاصله روان‌شناختی نقش واسطه‌ای در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با رفتارهای همدلانه نماید. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای فاصله روان‌شناختی در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با رفتارهای همدلانه کارکنان مدارس استثنایی در قالب یک مدل علی است. نگاره ۱ روابط بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.



نگاره ۱: مدل مفهومی پژوهش

## روش

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی کارکنان مدارس استثنایی استان چهارمحال و بختیاری در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. در پژوهش حاضر، ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد گویه‌های پرسشنامه‌های مورد استفاده، ملاک تصمیم‌گیری برای تعیین تعداد شرکت‌کنندگان قرار گرفت (۲۸). بر این اساس تعداد ۱۹۱ کارمند با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید [۱۰۰ زن با میانگین سنی ۳۴/۹۱ سال (انحراف معیار = ۷/۸۴، ۲۲-۴۵) و ۹۱ مرد با میانگین سنی ۳۵/۴۲ سال (انحراف معیار = ۹/۳۹، ۲۳-۴۹)]. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش به‌قرار زیر هستند: پرسشنامه همدلی: جهت سنجش همدلی از مقیاس همدلی و همدردی (۲۹) استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۲ گویه و سه خرده مقیاس همدلی شناختی، همدلی عاطفی و همدردی است. آزمودنی بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از هرگز = ۱ تا همیشه = ۵) به آن پاسخ می‌دهد. سازندگان این ابزار میزان ضریب همسانی درونی خرده مقیاس همدلی شناختی ۰/۸۶، همدلی عاطفی ۰/۷۵ و همدردی ۰/۷۶ گزارش کردند. همچنین، ضریب همبستگی خرده‌مقیاس‌ها بین عامل‌ها عبارت بودند از: بین همدلی عاطفی و شناختی ۰/۳۴، بین همدلی عاطفی و همدردی ۰/۵۴ و بین همدلی شناختی و همدردی ۰/۳۹ (۲۹). در مطالعه‌ی دیگر، میزان ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس همدلی شناختی ۰/۸۴، همدلی عاطفی ۰/۸۱ و همدردی ۰/۷۸ و کل پرسشنامه ۰/۸۲ بدست

دست آمد (۳۳). در پژوهش حاضر، نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه هویت معنوی بیانگر تأیید ساختار ۲ عاملی پرسشنامه بود. علاوه بر این، شاخص‌های برازندگی مدل پرسشنامه هویت معنوی محاسبه گردید. نتایج دلالت بر برازش مطلوب این پرسشنامه با داده‌ها دارد. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ برای باورهای ماورایی، باورهای اخلاقی و نمره کل هویت معنوی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷ و ۰/۸۸ به دست آمد، که حاکی از پایایی مطلوب پرسش‌نامه است.

پرسشنامه فاصله روان‌شناختی: جهت سنجش فاصله روان‌شناختی از دو مقیاس جهت‌گیری غلبه اجتماعی (۳۴) و عدم رعایت اخلاقی اخلاقی (۱۵) استفاده شد. مقیاس جهت‌گیری غلبه اجتماعی دارای ۱۶ گویه است. در این مقیاس، گویه‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (به‌طور کامل مخالفم) تا ۵ (به‌طور کامل موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان این مقیاس، جهت بررسی روایی پرسشنامه، از روش روایی همگرا استفاده شده و ضریب همبستگی نمره مقیاس جهت‌گیری غلبه اجتماعی با تبعیض جنسیتی ۰/۵۱ و با پیشداوری قومی علیه گروه‌های اقلیت ۰/۶۲ گزارش شده است (۳۲). همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۳ گزارش شده است (۳۲). همچنین در مطالعه‌ای دیگر، برای بررسی روایی پرسشنامه فاصله روان‌شناختی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که همه گویه‌ها بار عاملی معنادار بالاتر از ۰/۴۳ دارند (۳۲). همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۵ گزارش شده است (۳۲). همچنین، مقیاس عدم رعایت حریم اخلاقی دارای ۴ سوال است که میزان اعتقاد به التزام اخلاقی نسبت به

چهار گروه مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. این چهار گروه عبارتند از: افراد کشوری دیگر، بیگانگان، افراد متعلق به گروه‌های مذهبی متفاوت با گروه مذهبی خود، افراد متعلق به قومیتی متفاوت از قومیت خود. گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (متعهد نیستم) تا ۵ (خیلی متعهدم) درجه بندی می‌شوند. ضریب پایایی این مقیاس توسط سازندگان ۰/۸۸ گزارش شده است (۳۲). در این پژوهش نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. پرسشنامه‌های همدلی، هویت اخلاقی، هویت معنوی و فاصله روان-شناختی در اختیار افراد گروه نمونه قرار گرفت و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند و تنها فقط جهت کار پژوهشی جمع‌آوری می‌شود. همچنین تأکید شد که صادقانه به سؤالات پاسخ دهند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات توسط نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار AMOS تحلیل شدند. برای آزمون مدل مفروض از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

### یافته‌ها

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، کمترین نمره و بیشترین نمره متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جدول ۲ نتایج مربوط به همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین، نگاره ۲ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمرات متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
همدلی شناختی	۱۲/۳۶	۴/۱۸	۴	۲۰
همدلی عاطفی	۱۱/۷۶	۴/۲۱	۴	۲۰
همدردی	۱۳/۰۹	۳/۵۹	۶	۲۰
همدلی	۳۷/۲۱	۱۰/۸۴	۱۵	۶۰
درونی‌سازی	۱۸/۶۵	۳/۸۹	۹	۲۵
نمادسازی	۱۷/۷۹	۳/۳۴	۹	۲۵
هویت اخلاقی	۳۶/۴۳	۶/۱۱	۲۴	۵۰
باورهای ماورایی	۶۱/۴۱	۹/۹۸	۳۹	۸۳
باورهای اخلاقی	۷۱/۰۱	۱۰/۲۵	۳۹	۸۵
هویت معنوی	۱۳۲/۴۲	۱۷/۸۶	۹۰	۱۶۲
جهت‌گیری غلبه اجتماعی	۵۸/۳۶	۱۶/۰۸	۱۶	۱۵
عدم حریم رعایت اخلاقی	۱۴/۶۲	۳/۸۷	۴	۵
فاصله روان‌شناختی	۷۲/۹۸	۱۹/۷۳	۲۰	۲۰

جدول ۲: ماتریس همبستگی مرتبه صفر متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. همدلی													
۲. همدلی شناختی	۰/۸۸**												
۳. همدلی عاطفی	۰/۹۳**	۰/۷۱**											
۴. همدردی	۰/۸۹**	۰/۶۶**	۰/۸۰**										





پی کلو (PCLOSE=۰/۱۰) می‌توان گفت الگوی نهایی پژوهش، دارای برازش مطلوب است.

## بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که هویت معنوی و هویت اخلاقی اثر منفی و معنادار بر فاصله روان‌شناختی کارکنان مدارس استثنایی دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر آن که رشد بهنجار هویت معنوی و هویت اخلاقی، رفتارهای نوع‌دوستانه افراد را افزایش داده و منجر به کاهش فاصله روان‌شناختی می‌شود، همسو است (۱۷،۱۶،۱۵،۱۳،۱۱،۹). در خصوص ارتباط هویت معنوی با فاصله روان‌شناختی، می‌توان به مفهوم "خودهمانگی"<sup>۱۸</sup> اشاره نمود (۳۵). مطابق با این مفهوم، زمانی که افراد هویت خود را بر اساس محتوایی درونی و روانی مانند ارزش‌ها و اهداف شکل می‌دهند، این تمایل در آنان شکل می‌گیرد که با محتوای هویت خود هماهنگ باشند. از این رو، زمانی که افراد هویت خود را حول مفهومی والا و متعالی چون ارتباط با وجودی ماورایی و ارزش‌های اخلاقی شکل می‌دهند، این تمایل در آنان شکل می‌گیرد که در رفتار خود نیز به گونه‌ای متناسب با این ارزش‌های متعالی عمل کنند (۳۵). از این رو، درونی ساختن اصول اخلاقی از جمله دو اصل اخلاقی عدالت و توجه و اهمیت این اصول در هویت افراد، بنا به مفهوم خود هممانگی (۳۵) سبب گرایش افراد به سوی رفتار هماهنگ با حس خود می‌شود. بنابراین، برجستگی و اهمیت اخلاق و اصول اخلاقی به عنوان بخشی از هویت معنوی به صورت انگیزه‌ی اخلاقی در افراد عمل می‌کند و سبب می‌شود افراد در نگرش و واکنش نسبت به دیگران و سایر گروه‌ها نه تنها کمتر خواستار بی‌عدالتی و برتری و غلبه‌ی یک گروه بر سایر افراد و گروه‌ها باشند، بلکه همه‌ی افراد و گروه‌ها را سزاوار دریافت توجه و برخورداری از رفاه و آسایش بدانند. بنابراین شکل‌گیری هویت معنوی یکپارچه باعث کاهش فاصله روان‌شناختی افراد در برخورد و تعامل با دیگران می‌گردد. در خصوص ارتباط هویت اخلاقی با فاصله روان‌شناختی می‌توان گفت زمانی که دغدغه‌های اخلاقی، هسته‌ی "خود" را تشکیل دهند، فرد از انگیزش اخلاقی بالاتری برای عمل اخلاقی برخوردار است. به عبارت دیگر، اگر اخلاق‌محوری در سازمان "خود پنداره" فرد داشته باشد آن‌گاه، هویت اخلاقی مستقیماً به عمل اخلاقی مرتبط می‌شود. به این ترتیب، تحول هویت اخلاقی با تأثیر مثبت بر باورهای اخلاقی باعث کاهش جهت‌گیری غلبه اجتماعی و عدم رعایت حریم اخلاقی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، با رشد هویت اخلاقی میزان فاصله روان‌شناختی افراد کاهش چشمگیری خواهد داشت.

یافته دیگر پژوهش حاضر حاکی از اثر مثبت هویت اخلاقی و هویت معنوی بر همدلی کارکنان مدارس استثنایی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشانگر رابطه مثبت بین هویت اخلاقی و معنوی با همدلی است، همسو است (۲۹،۲۷،۲۲،۱۹،۱۴،۶،۲). در تفسیر رابطه مثبت و معنادار بین هویت اخلاقی و همدلی می‌توان گفت که هویت

به‌شدت در هسته وجودی فرد ریشه دارد و شامل تعهد به خود در عمل نیز می‌باشد، یعنی تطابق و همسویی عمل با خود، هویت اخلاقی را شامل دو بعد عمومی و خصوصی مفهوم‌پردازی کرده‌اند (۹). بعد درونی (خصوصی) همان ریشه داشتن و مرکزیت ارزش‌های اخلاقی در هسته وجودی فرد است؛ این که خود، حول اصول و باورهای اخلاقی شکل گرفته و سازمان یافته باشد. به بیان دیگر، بعد درونی (خصوصی) به میزان عمق ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی در خودپنداره فرد اشاره دارد و در واقع معطوف به وجه خصوصی هویت اخلاقی است. استقرار ارزش‌های اخلاقی در درون فرد، می‌تواند یک نمود عمومی و بیرونی نیز داشته باشد، بدین صورت که تعهدات و ارزش‌ها از طریق اعمال فرد در دنیای بیرونی به دیگران نشان داده می‌شود. این بعد به صورت نمایش و انعکاس ویژگی‌ها و نمادهای اخلاقی در عمل و رفتار به صورت بیرونی و در جهان اجتماعی تعریف می‌شود و به تعبیری وجه عمومی هویت اخلاقی به شمار می‌رود (۱۶). در نتیجه فردی با دارا بودن باورهای اخلاقی، رفتارهای همسو با باورها انجام خواهد داد و گرایش به انجام رفتارهای نوع‌دوستانه از جمله مهرورزی، همدردی و همدلی در برخورد با دیگران خواهد داشت. همچنین، در خصوص تفسیر و تبیین ارتباط مثبت و معنادار هویت معنوی با همدلی می‌توان از رویکرد بافتی به هویت معنوی کمک جست (۱۱). مطابق با این رویکرد، معنویت یک منبع بشری و ذاتی برای جستجوی معنا، برقراری پیوند با دیگران و مقدسات، داشتن هدف در زندگی و خدمت به جامعه است و انسان از انگیزه‌های درونی برای جستجوی این امور برخوردار است. در این رویکرد رشد معنوی حاصل اثر متقابل سیر درونی (تجارب درونی و یا اتصال به منبعی نامحدود) و سیر بیرونی (فعالیت‌های روزانه و ارتباطات) است. بدین ترتیب، در این رویکرد معنویت، افراد را به سمت برقراری پیوند بین اکتشاف خود و جهان سوق می‌دهد که این امر از طریق پیگیری یک زندگی بارور و شکوفا و رفتار و تعامل همدلانه با سایر افراد محقق می‌شود.

علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر تأییدکننده نقش واسطه‌ای فاصله روان‌شناختی در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با رفتارهای همدلانه است. به عبارت دیگر، افرادی که شناخت و ادراک منسجمی از خود، که متمرکز بر شماری از صفات اخلاقی مانند مهربانی و بخشندگی هستند، همه انسان را برابر در نظر می‌گیرند (۳۶،۲۲) و در برخورد با همه افراد به‌ویژه افراد با نیازهای خاص عدالت را رعایت خواهد کرد (۲۵). از طرف دیگر، فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای روبه‌رو شدن با دشواری‌ها و سختی‌ها و فراتر از آن رفتن، ظرفیتی برای الهام و شهود، نگرش کل‌نگر به جهان هستی، جستجوی پاسخ برای پرسش‌ها بنیادین زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم است (۲۳). در نتیجه، فردی با این ویژگی‌ها کمتر دست به رفتارهای ناعادانه خواهد زد. از این رو، با رشد و تکوین هویت اخلاقی و معنوی سبب کاهش فاصله روان‌شناختی در افراد می‌شوند. در واقع، تحول هویت اخلاقی و هویت معنوی سبب می‌گردند تا افراد دیگران را در فضای روان‌شناختی خویش دور ادراک نکنند و با ادراک دیگران به

### واژه نامه

1. Children with special needs	کودکان با نیازهای خاص
2. Empathy	همدلی
3. Effective communication	ارتباط مؤثر
4. Ethical identity	هویت اخلاقی
5. Spiritual identity	هویت معنوی
6. Identity	هویت
7. Moral values	ارزش‌های اخلاقی
8. Self	خود
9. Moral motivation	انگیزش اخلاقی
10. Generosity	بخشندگی
11. Inner garlic	سیر درونی
12. Outer garlic	سیر بیرونی
13. Altruistic behaviors	رفتارهای نوع‌دوستانه
14. Psychological distance	فاصله روان‌شناختی
15. Observe ethical privacy	رعایت حریم اخلاقی
16. The orientation of social dominance	جهت‌گیری غلبه اجتماعی
17. Psychological space	فضای روان‌شناختی
18 Self guide	خود هماهنگی

### References

- Mithun CK, Kushal K, Kamirul I, Kaustav N, Archan S. (2019). Study on prevalence of minor physical anomalies in mentally retarded children in a tertiary care centre of India. *International Journal of Contemporary Pediatrics*; 6(2):697-703.
- Zaki J, Ochsner K. (2012). The neuroscience of empathy: progress, pitfalls and promise. *Journal of Nature Neuroscience*; 15 (5): 675-670.
- Abraham E, Raz G, Zagoory-Sharon O, Feldman R. (2017). Empathy networks in the parental brain and their long-term effects on children's stress reactivity and behavior adaptation. *Journal of Neuropsychology*; 116(Pt A):75-85.
- Bernhardt B C, Singer T. (2012). The neural basis of empathy. *Annual Review Neurosis*; 35: 1-23.
- Halevi G, Djalovski A, Kanat-Maymon Y, Yirmiya K, Zagoory-Sharon O, Koren L, Feldman R. (2017). The social transmission of risk: Maternal stress physiology, synchronous parenting, and well-being mediate the effects of war exposure on child psychopathology. *Journal of Abnormal Psychology*; 126: 1087-1103 .
- Bullen M, Salazar L, Diaz-Narva V P. (2015). Empathic orientation of dental students from University of Panama (Republic of Panama). *Journal of Salud Uninorte*; 31 (2): 253-262.
- Srivastava K, Das R. (2016). Empathy: process of adaptation and change, is it trainable. *Journal of Indian Psychiatry*; 25 (1): 1-3.

صورت نزدیک، تمام افراد را مستحق و سزاوار برخورد عادلانه و بهره‌مندی از آسایش، رفاه و سعادت بدانند؛ و در نتیجه با کاهش فاصله روان‌شناختی، افراد قادر به در نظر گرفتن دیدگاه دیگران و جایگزینی خود به صورت خیالی و واقعی در قالب احساسات و اعمال می‌باشند و میزان بالایی از احساسات همدلانه دیگر محور و نگرانی برای افراد درمانده هستند.

به لحاظ نظری، این پژوهش با نشان دادن مکانیزم اثرگذاری هویت اخلاقی، هویت معنوی و فاصله روان‌شناختی بر همدلی منجر به گسترش دانش در مورد عوامل مؤثر بر همدلی شده است. به لحاظ کاربردی نیز، اثر منفی هویت اخلاقی و هویت معنوی بر فاصله روان‌شناختی و به دنبال آن اثر منفی فاصله روان‌شناختی بر همدلی، این تلویح را برای آموزش‌دهندگان کودکان با نیازهای خاص به دنبال دارد که نوع تحول هویت اخلاقی و معنوی از جمله علل اساسی رفتارهای همدلانه با کودکان است. بنابراین، ضرورت دارد متولیان آموزش و پرورش به‌ویژه مسئولین آموزش کودکان با نیازهای خاص، فرصت‌هایی را برای آگاهی، شناخت و رشد هویت اخلاقی و معنوی آموزش‌دهندگان فراهم سازند تا به کاهش رفتارهای ناعادلانه و تبعیض‌گونه به افزایش رفتارهای نوع‌دوستانه و همدلانه آنان کمک شود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدود بودن افراد مورد مطالعه به کارکنان مدارس استثنایی استان چهارمحال و بختیاری اشاره نمود که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با احتیاط مواجه می‌سازد. با توجه به آنکه در پژوهش حاضر تفاوت‌های جنسیتی مورد مطالعه قرار نگرفته است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به مقایسه مدل همدلی در بین کارکنان زن و مرد پرداخته شود.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نقش واسطه‌ای فاصله روان‌شناختی در رابطه بین هویت اخلاقی و هویت معنوی با رفتارهای همدلانه مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به نتایج پژوهش، هویت اخلاقی و هویت معنوی از طریق فاصله روان‌شناختی، رفتارهای همدلانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد بر این اساس، می‌توان با فراهم آوردن زمینه کاهش باورهای عدم رعایت حریم اخلاقی و جهت‌گیری غلبه اجتماعی، آنان را در جهت رفتارهای نوع‌دوستانه و همدلانه، سوق داد.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در تمامی مراحل انجام پژوهش، اصول اخلاقی از قبیل محرمانه بودن اطلاعات و رضایت آگاهانه آزمودنی‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

### سپاسگزاری

از کلیه کارکنان مدارس استثنایی استان چهارمحال و بختیاری که در این پژوهش شرکت کردند، سپاسگزاری می‌شود.

- distance: evidence from a troop task. *Journal of Experimental Psychology*; 136: 610–622.
24. Devine-Wright P, Price J, Leviston Z. (2015). My country or my planet? Exploring the influence of multiple place attachments and ideological beliefs upon climate change attitudes and opinions. *Journal of Global Environmental Change*; 30: 68–79.
  25. Sepahi S, Hoseini H. (2017). Relationship between spirituality & ethical behavior of managers in financial reporting. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 12 (1): 132-142. (In Persian).
  26. Ardalan M, Beheshtirad R. (2017). The relationship between ethical climates of organization with teaching ethic; the role of mediator of professional development. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 11 (4): 37-48. (In Persian).
  27. McDonald RI, Chai HY, Newell BR. (2015). Personal experience and the 'psychological distance' of climate change: an integrative review. *Journal of Environmental Psychology*; 44: 109–118.
  28. Kline B. (2011). Principle and practice of structural equation modeling. New York: Guilford Press.
  29. Vossen H, Piotrowski J, Valkenburg P. (2015). Development of the adolescent measure of empathy and sympathy (AMES). *Journal of Personality and Individual Differences*; 4: 66-71 .
  30. Narimani M, Falahi V, Zardi B. (2017). Psychometric properties of empathy and sympathy questionnaire in students. *Journal of School Psychology*; 6(1):117-131. (In Persian).
  31. Haghnegahdar M. (2013). Relationship of family coherence and authority with educational uncertainty: the intermediate role of ethical identity. [MA Thesis]. Shiraz/Iran: Shiraz University. (In Persian).
  32. Rahpeyma S. (2013). The relationship between attachment to parents and peers and psychological distance: the role of mediating spiritual identity. [MA Thesis]. Shiraz/Iran: Shiraz University. (In Persian).
  33. Rahpeyma S, Sheikholeslami R. (2016). Mediating role of spiritual identity in relation between attachment to parents and peers with resilience. *Journal of Contemporary Psychology*; 11(1): 67-62.
  34. Sidanius Pratto F. (1999). Social dominance: An intergroup theory of social hierarchy and oppression. New York: Cambridge University Press.
  35. Hardy SA, Bhattacharjee A, Reed A, Aquino K. (2010). Moral identity and psychological distance: The case of adolescent parental socialization. *Journal of Adolescent*; 33:111-123.
  36. Esmaeli M, Rahimieghdam S. (2016). The role of ethical values in improving employee performance with an emphasis on workplace spirituality. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 11 (2): 105-112. (In Persian).
  8. Schweller M, Osorio F, Antonio M, Amaral E, Carvalho-Filho M. (2014). The impact of simulated medical consultations on the empathy levels of students at one medical school. *Journal of Academic Medicine*; 89(4): 632–637.
  9. Anna O. (2019). "Spiritual and moral education" in russian public schools. *Journal of International Research in Education*; 5(1):107-125.
  10. Lisovskaya E, Karpov V. (2010). Orthodoxy, Islam, and desecularization of Russia's state schools. *Journal of Politics and Religion*; 3(2): 276-302.
  11. Hardy SA, Carlo G. (2005). Identity as a source of moral motivation. *Journal of Human Development*; 48(4): 232–256.
  12. Walker LJ. (2004). Gus in the gap: Bridging the judgment-action gap in moral functioning. In: Lapsley DK, Narvaez D. (Eds.). *Moral development, self, and identity*. Germany: Lawrence Erlbaum Associates Publishers. Pp. 1–20 .
  13. Hart D, Atkins R, Ford D. (1999). Family influences on the formation of moral identity in adolescence: Longitudinal analyses. *Journal of Moral Education*; 28(3): 375–386.
  14. Lapsley DK, Narvaez D. (2005). *Moral psychology at the crossroads*. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
  15. Aquino C, Reed A. (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*; 83(6): 1423-1440 .
  16. Mudrack PE. (2006). Moral reasoning, personing and personality traits 1. *Journal of Psychological Reports*; 98(3): 689-698.
  17. Samadifard H, Narimani, M. (2018). The relationship between moral identity, spiritual well-being and religious orientation with job adjustment among nurses. *Journal of Pajouhan Scientific*; 17(1): 1-8. (In Persian).
  18. Liaschenko J, Peter E. (2016). Fostering nurses' moral agency and moral identity: the importance of moral community. *Hastings Center Report*; 46(1): 18-21.
  19. Unterrainer HF, Ladenhauf KH, Moazedi ML, Wallner-Liebmann SJ, Fink A. (2010). Dimensions of religious/spiritual well-being and their relation to personality and psychological well-being. *Journal of Personality Individual Difference*; 46(3):192-97.
  20. Weber J, Wasieleski D. (2001). Investigating influences on managers' moral reasoning the impact of context and personal and organizational factors. *Journal of Business & Society*; 40(1): 79-110.
  21. Ranjbar H, Joolae S, Vedadhir A, Abbaszadeh A, Bernstein C. (2017). Becoming a nurse as a moral journey: A constructivist grounded theory. *Journal of Nurse Ethics*; 24(5):583-97. (In Persian).
  22. Suzuki S. (2018). Effects of psychological distance on attraction effect. *The Journal of Social Psychology*; 159(5):561-574.
  23. Bar-Anan Y, Liberman N, Trope Y, Algom D. (2007). Automatic processing of psychological